

ارتباط اندیشه سعادت با سبک زندگی مهدوی (با تکیه بر مبانی علامه طباطبایی)

چکیده:

جستار پیش رو ارتباط اندیشه سعادت با سبک زندگی مطلوب را بر اساس مبانی علامه طباطبایی مورد واکاوی قرار می دهد. بر اساس دیدگاه تفسیری کلامی علامه، سعادت خیر وجودی است که مقدمه کمال موجود است و در انسان که مرکب از روح و بدن است، خیری است که مقتضای قوای روحی و بدنی اوست، این سعادت امری دارای مراتب و درجات و دارای تقسیماتی چون دنیوی و اخروی بوده و انسان در گزینش و اکتساب راه سعادت مخیر می باشد. ایشان حقیقت سعادت را به عنوان هدف خلقت، در طی نمودن مراحل توحید، عبودیت و اتصال به ذات یگانه سبحان می داند. حال فردی که معتقد به این اندیشه است، در پی نیل و کسب حقیقت سعادت، راهی را تفحص می نماید که در طی طریق تکامل و ایجاد سبک زندگی سعادت‌مندانه هرچه بهتر و سهل تر او را به سر منزل مقصود برساند. بر اساس آموزه های اسلام، اعتقاد به امام عصر عجل الله تعالی فرجه در راستای معرفت و محبت به خدا و اهل بیت علیهم السلام در ابعاد مختلفی مانند؛ بعد فکری، بعد روحی روانی، بعد اخلاقی و بعد عملی، سبب تعالی و تغییر در سبک زندگی فرد و در نتیجه سعادت دنیوی و اخروی وی می گردد.

کلمات کلیدی :

سعادت، محبت، سبک زندگی، انتظار، امام مهدی علیه السلام، علامه طباطبایی.

طرح مسأله:

سعادت از جمله مقولاتی است که همواره در عرف عمومی و همچنین در میان اندیشمندان اعم از متکلمان، فلاسفه و... در ادوار مختلف تاریخ مورد بحث بوده است و در حقیقت مسأله سعادت یکی از مسائل بنیادین، درازعمر و چندتباری است. به خاطر همین حیثیات است که شاید بتوان ادعا کرد همزاد با تاریخ بشر است.

بنابر گفته علامه طباطبایی، فعالیت زندگی انسان پیوسته برای دست یافتن به سعادت و پیروزی است. خواه در تشخیص سعادت واقعی خود مصیب باشد یا مخطی. (طباطبایی، بی تا(ه): ۵)

خاستگاه بحث سعادت و کمال انسانی در اسلام به آیات وحیانی و سپس روایات بر می گردد و در لسان بزرگان دین و اندیشمندان مورد تبیین قرار گرفته است و هریک از این متفکران در بستر دینی و فکری خود به آموزه سعادت و مباحث مرتبط به آن پرداخته اند. از جمله اندیشمندان و مفسرین معاصر که در مورد سعادت انسانی نظرات قابل توجهی دارد، علامه طباطبایی است.

یکی از آثار ارزشمندی که اندیشه و باورداشت سعادت در دین اسلام با خود به همراه دارد، سبک زندگی مطلوب و اسلامی است. مسأله سبک و شیوه زندگی که در دین جامع اسلام مورد تاکید و معرفی بسیاری از

آیات و روایات واقع شده، در چند سال اخیر مورد توجه بسیاری از پژوهشگران حوزه تفکر اسلامی قرار گرفته است. و به جهت واکاوی ابعاد مختلف این بحث مهم و کاربردی، هم چنان چشم اندازهای متعددی در این مبحث وجود دارد. پژوهش پیش رو که با شیوه توصیفی - تحلیلی به بحث می پردازد، با این فرضیه که اندیشه سعادت محور در ایجاد سبک زندگی مطلوب موثر است؛ پس از بیان مطالبی در ارتباط با مسأله سعادت در اندیشه علامه طباطبایی، به واکاوی این سوالات می پردازد که ارتباط اندیشه سعادت محور با سبک زندگی (بر اساس مبانی علامه طباطبایی) و کاربرد آن در سبک زندگی اسلامی چیست و مهدویت به عنوان یکی از مولفه های اساسی در سبک زندگی ارزشی چه جایگاهی داشته و چگونه در نیل انسان به سعادت دنیوی و رستگاری اخروی موثر است؟

اما پیش از ورود به مبحث اصلی، واکاوی مفاهیم تصویری و تصدیقی بحث لازم به نظر می آید.

سعادت در اندیشه علامه طباطبایی:

الف) معنای سعادت:

سعادت در لغت به معنای اصلی است که دلالت بر نیکویی و سرور می کند. (احمدبن فارس، ۱۴۲۲ق: ۴۵۹) در لسان العرب علاوه بر نیکویی به معنای مساعدت و معاونت نیز اشاره شده است. (ابن منظور، ۲۰۰۴م، ج ۷: ۱۸۵) و راغب نیز به همین معنا اشاره داشته و درباره سعادت می نویسد: یاری رساندن امور الهی به انسان برای رسیدن به خیر سعادت است. (راغب اصفهانی، بی تا: ۲۳۲)

اما سعادت در اصطلاح حکما و فلاسفه به صورت های مختلفی تفسیر گشته است؛ برخی با رویکرد لذت گرایانه به آن پرداخته و سعادت حقیقی را در لذت های حسی می دانند و گروهی دیگر آن را در رابطه با فضائل انسانی تفسیر نموده اند. فلاسفه مسلمان در زمره این دسته می باشند، و سعادت حقیقی انسان را این گونه مطرح می سازند. (اگرچه اغلب آنان سعادت را تلفیقی از لذات روحانی و جسمانی می دانند، در عین این که اصالت را به سعادت معنوی و روحانی می دهند) چنان که ابن مسکویه بیان می کند که برای شناخت سعادت بایستی ابتدا انسان و نفس او را شناخت تا کلید سعادت و مظهر تجلی آن به دست آید. زیرا نفس کلید سعادت و وسیله اکتساب فضائل و منبع ملکات ارجمند بشری به شمار می رود. (ابن مسکویه، ۱۴۱۲ق: ۲۷)

صدرالمتألهین نیز در این باره می گوید: هر که از تربیت مرکب و تدبیر منزل، ذاهل و غافل گردد، سفرش تمام نمی شود. و مادام که امر معاش دنیا که عبارت است از حالت تعلق نفس به حس و محسوس، تمام نباشد، امر تنقل و انقطاع به سوی باری تعالی که عبارت از سلوک باشد، صورت نمی گیرد. امر معیشت در دنیا تمام نمی شود مگر آن که بدنش سالم، نسلش سالم و نوعش مستحفظ باقی بماند. (شیرازی، ۱۳۶۲: ۵۷۶ و ۵۷۷) چنان که از این عبارات بر می آید؛ جناب ملاصدرا معتقد است که سعادت انسان در گرو سلامت جسم و جان اوست و در بردارنده سعادت مادی و معنوی است.

و اما علامه طباطبایی به عنوان حکیم و متکلم مسلمان نیز با نظر به ابعاد مختلف وجود آدمی، در معنای سعادت می فرماید: سعادت هرچیزی این است که به آن چه برای وجود او خیر است، نائل شود؛ یعنی به چیزی که مقدمه و وسیله کمال اوست، برسد. بنابراین سعادت در انسان که مرکب از روح و بدن است، خیری است که مقتضای قوای روحی و بدنی اوست و برای انسان از آن جهت که

انسان است، خیر است. و فرق میان سعادت و خیر این است که سعادت مخصوص نوع و یا شخص

است ولی خیر عام است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج: ۹؛ ۱۸؛ همو، ۱۳۷۴، ج: ۱۱: ۲۱)

ب) اقسام سعادت:

چنان که از معنای سعادت در نظرگاه های مختلف بر آمد، درباره اقسام سعادت اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی مانند رواقیون و ماده گرایان سعادت را فقط یک قسم دانسته و آن را مربوط به جسم و بدن می دانند. برخی دیگر آن را مربوط به جان و روان انسان می دانند و معتقد به سعادت معنوی اند؛ فیثاغورث، بقراط و افلاطون از این دسته اند. و برخی دیگر مانند ارسطو برای سعادت اقسامی قائلند و اکثر حکمای مسلمان سعادت را به دو قسم دنیوی و اخروی تقسیم کرده اند. (رک: عبدالرزاق کاشانی، ۱۳۷۴؛ نقل از: سجادی زاده، ۱۳۷۷: ۱۵۵)

علامه طباطبایی معتقد است که اسلام در میان همه ادیان تنها دینی است که به ابعاد و جنبه های مختلف زندگی دنیوی و اخروی انسان توجه دارد، در نتیجه تعلیمات اسلام نه مانند کیش کنونی مسیحیان است که تنها سعادت اخروی مردم را در نظر گرفته و درباره سعادت دنیوی آنان ساکت است و نه مانند آیین فعلی یهود است، که تنها تعلیم و تربیت یک ملت و تنها خوشبختی مادی آن را وجهه همت خود قرار دهد. (طباطبایی، بی تا(ب): ۵۵ و ۲۹۱) بلکه در اسلام سعادت دو نوع است؛ یکی سعادت دنیوی و دیگری سعادت اخروی. سعادت دنیوی هم سه قسم است: سعادت نفسی (سعادت روح و روان)، سعادت بدنی (سعادت جسم) و سعادت خارجی (سعادت اعم از جسم و روح و عوامل موثر دیگر). به عبارت دیگر سعادت انسان در این است که از یکسو از نعمت های مادی برخوردار شود و از سوی دیگر جانش با فضائل اخلاقی و معارف حق الهی آراسته شود، در

«روشی که اسلام به منظور تأمین سعادت واقعی بشر، برای پیروان خود تعیین کرده - یعنی روشی ممزوج از اعتقاد و عمل - به نحوی است که بدون اعتقاد به ظهور مهدی علیه السلام، اثر واقعی و کامل خود را نمی تواند

ببخشد» (طباطبایی، بی تا(ج: ۸۹)

و یا در جایی دیگر آورده است؛ تصور ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه در ردیف تصور وقوع قیامت است و چنان که اعتقاد به قیامت نگهبانی داخلی در وجود انسان است، اعتقاد به مهدویت نگهبان دیگری در حفاظت حیات درونی افراد است....در سیر زندگی اجتماعی انسان، روزی فرا خواهد رسید که سعادت کامل را تضمین نموده و در آن روز بشریت در سایه واقع بینی و عبودیت، خوشبختی و رستگاری خود را به دست خواهد آورد و در مهد امن و امان مطلق و بی مزاحمت هرگونه ناملایمت فکری به سر خواهند برد.

(همان: ۸۹-۹۱)

نتیجه:

از مباحث و مطالب جستاری که گذشت، می توان به این نتایج دست یافت:

- سعادت در دیدگاه آیات وحی و بنا بر اندیشه کلامی و تفسیری علامه طباطبایی خیر وجودی و به عنوان هدف و علت غایی، سبب تکامل انسان و بر دو قسم دنیوی و اخروی است.
- با نظر به ادله عقلی و نقلی، انسان در گزینش و انتخاب سعادت یا شقاوت خویش مخیر است و حقیقت سعادت و هدف نهایی سیر کلی جهان خلقت، بازگشت به سوی خدا و یکی شدن با ذات حق است که در انسان به دلیل شاخصه اختیار اهمیت ویژه ای می یابد.
- یکی از آثار مهم معرفت و باور به حقیقت سعادت با شاخصه اکتسابی بودن آن، ایجاد سبک زندگی مطلوب و اسلامی است که موجبات سعادت دنیوی و اخروی فرد را فراهم می آورد.
- از مولفه های برتر در تحقق سبک زندگی ارزشی و اسلامی، پرداختن به جایگاه معرفت و محبت اهل بیت به عنوان هادیان طریق سعادت می باشد.
- امام مهدی علیه السلام به عنوان مصداق کنونی عترت پیامبر صلوات الله علیه و آله و اندیشه مهدی باوری و انتظار با ایجاد تحول در ابعاد مختلف زندگی فرد، همچون بعد فکری، روحی، اخلاقی و عملی تأثیر زیادی در انگیزش افراد و تغییر به سوی ایجاد سبک زندگی مطلوب و سعادت‌مندانه دارد.

منابع و مأخذ :

- قرآن کریم

- نهج البلاغه

- صحیفه سجادیه

منابع فارسی:

- احمدی، عاطفه و فرزاد فرد، سمیه (۱۳۸۵)، تنها راه، تهران، بنیاد فرهنگی مهدی موعود.

- آقا تهرانی، مرتضی (۱۳۸۴)، سودای روی دوست، قم، احمدیه.

- سیاح، احمد (۱۳۷۰)، فرهنگ بزرگ جامع نوین، بی جا، انتشارات اسلام.

- شیرازی، صدرالدین محمد (۱۳۶۲)، المبدأ و المعاد، ترجمه: احمد بن محمد اردکانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

- طباطبایی، محمد حسین (بی تا الف)، بررسی های اسلامی، به کوشش: سیدهادی خسروشاهی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

- طباطبایی، محمد حسین (بی تا ب)، تعالیم اسلام، بی جا، بی نا.

- طباطبایی، محمد حسین (بی تا ج)، شیعه، ترجمه: خسروشاهی، بی جا، بی نا.

- طباطبایی، محمد حسین (بی تا د)، شیعه در اسلام، طبع قدیم، بی جا، بی نا.

- طباطبایی، محمد حسین (بی تا ه)، قرآن در اسلام، بی جا، بی نا.

- طباطبایی، محمد حسین، المیزان (۱۳۷۴)، ترجمه: موسوی همدانی، محمدباقر، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.

- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۸۷)، توحید ذاتی (رسائل توحیدی)، ترجمه و تحقیق: شیروانی، علی، قم، بوستان کتاب.

- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۰)، خودشناسی برای خودسازی، قم، موسسه در راه حق.

- مطهری، مرتضی (بی تا)، قیام و انقلاب مهدی، قم، صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- موسوی اصفهانی، محمد تقی (۱۳۸۱)، مکیال المکارم، بی جا، ایران نگین.

منابع عربی:

- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی (۱۳۶۲)، الخصال، قم، موسسه نشر اسلامی.
- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی (۱۳۸۰)، کمال الدین و تمام النعمه، قم، دارالحديث.
- ابن مسکویه، ابوعلی (۱۴۱۲ق)، تهذیب الاخلاق، قم، انتشارات بیدار.
- ابن منظور، جمال الدین محمد (۲۰۰۴م)، لسان العرب، بیروت، دارصادر.
- احمد بن فارس (۱۴۲۲ق)، معجم مقاییس اللغة، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- رازی، فخرالدین (۱۴۲۰ق)، تفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، ابی القاسم حسین بن محمد (بی تا)، مفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالمعرفه.
- صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۱۹ق)، منتخب الاثر، قم، السیده المعصومه.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۶۰)، رساله الولایه، قم، مؤسسه اهل البيت.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۶۲)، نهایه الحکمه، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
- عروسی حویزی، علی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، تفسیر نورالثقلین، قم، اسماعیلیان.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷)، تفسیر قمی، قم، دارالکتاب.
- مألوف، لویس (۱۳۸۰)، المنجد، تهران، انتشارات ایران.
- متقی هندی، علی بن حسام (۱۴۰۵ق)، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، موسسه الرساله.

— مجلسی، محمدباقر (بی تا)، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء.

— محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۹)، میزان الحکمه، قم، موسسه دارالحديث.

— مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مقالات:

— خادمی، عین الله (۱۳۸۳)، محبت به پیامبر و اهل بیت از دیدگاه قرآن، نشریه رشد، شماره ۵.

— سجادی زاده، علی (۱۳۷۷)، سعادت و شقاوت از دیدگاه قرآن و حدیث، نشریه علوم و معارف قرآن، شماره ۶ و ۷.

— کاشانی، عبد الرزاق (۱۳۷۴)، رساله قضا و قدر، نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی، شماره ۳.

— کوثری نیا، نفیسه (۱۳۹۲)، سبک زندگی اسلامی و حیات طیبه در قرآن کریم، نشریه کوثر (علوم قرآن و حدیث)، شماره ۴۸.

— مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۲)، اولویت های سبک زندگی، نشریه معرفت، شماره ۱۸۶.